پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۲۰۹ـ۲۳۴ (مقاله پژوهشی)

No. 39, Autumn & Winter 2019/2020

واکاوی آیه اشاعه فحشا و شمول آن نسبت به مصادیق نوپدید

زهرا طاهری‌پور[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۶/۲۹ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۱۶)

چکیده

اشاعه فحشا از موضوعاتی است که در آیه ۱۹ سوره نساء بدان تصریح و از ارتکاب آن توسط مسلمانان نهی شده است. از جمله مباحث مهم پیرامون این آیه شناخت مفهوم این ترکیب و نیز حکم مقرر آن در قرآن و سایر ادله مرتبط می‌باشد. هچنین گستره شمول آیه نسبت به مصادیقی که در زمان نزول قرآن حادث نشده بود. در این مقاله سعی شده با بهره‌گیری از مواردی که سابقا از مصادیق مسلم این آیه به شمار می‌رفته وضعیت نمونه‌های جدید که حاصل تحول در ارتباطات و تعاملات انسانی به جهت پدیده ای نوظهور به نام فضای مجازی است، معلوم گردد. در این مقاله اشاعه فحشا به عملی اطلاق می‌شود که یا توسط مرتکب علنی شده و یا فرد دیگری آن را منتشر کرده است. از این رو عنصر اصلی در مفهوم و شناخت مصادیق نوظهور انتشار رفتار مذکور می‌باشد. از آنجا که این آیه در زمره آیات الاحکام بوده و فقیهان در تفسیر و تبیین آن اهتمام بیشتری نسبت مفسران نموده‌اند، توجه به تحقیقات آنان برای این نوشتار ضروری است.

کلید واژه‌ها: *آیه ۱۹ سوره نور، آیات الاحکام اشاعه فحشا، فضای مجازی، مصادیق نو پدید*

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه سوره؛ z.taheripour@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

مقدمه و بیان مساله

مقصود از آیه اشاعه فحشا آیه نوزده سوره نور می‌باشد که در آن خداوند متعال از حرمت افعالی سخن می‌گوید که عنوان اشاعه فحشا بر آن صدق می‌کند. برای آنکه بتوان مصادیقی که این آیه به ان اشاره دارد مشخص نمود لازم است بررسی دقیقی نسبت به مفردات ایه مزبور به عمل آورد. این مهم با رجوع به کتب لغت، روایات اهل‌بیت (در صورتی که در موضوع این آیه وارد شده باشد) و همچنین تفاسیری که مفسران معتبر از این آیه برداشت کرده‌اند صورت می‌پذیرد. همچنین استنادی که فقها در مقام استنباط احکام شرعی بدین آیه نموده‌اند. لکن صرف توجه به مطالب مزبور برای التزام به این آیه و به بکار بردن آن در زندگی شخصی و اجتماعی کفایت نمی کند. به همین دلیل ضرورت دارد بررسی مصداقی در حوزه‌های مختلف و شئون گوناگون زندگی انسانی انجام شده و نسبت هر کدام از این شئون مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این مقاله هدف آن است که به یکی از ابعاد زندگی اجتماعی تحت عنوان فضای مجازی که سابقه چندانی از حیث تاریخی ندارد، پرداخته شود تا روشن شود التزام و پایبندی به این آیه در این قسم امور به چه نحوی محقق می‌شود.

توجه به پیام این آیه در عصر حاضر بسیار اهمیت دارد زیرا در دوران معاصر شیوه‌های اشاعهٔ فحشاء دچار تحول گردیده است. در گذشته فحشا، فقط از طریق کلام در میان مردم منتشر می‌شده است. لکن در زمان حاضر با توجه به پیشرفت‌های نرم‌افزاری و گسترش شگفت انگیز ارتباطات، همچون وب سایت ها، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی، ارسال پست از طریق پیام رسان‌ها و...، به سهولت می‌توان فحشا را منتشر کرد. در نتیجه حوزه تأثیر هر گونه رفتاری در این فضا بسیار زیاد است. از این‌رو لازم است که رویکرد این آیه و جایگاه آن در این موارد مورد توجه قرار گیرد.

در این مقاله در پی پاسخ به این سوالات هستیم که دانشمندان اسلامی در گذشته چه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

برداشتی از مفهوم آیه داشته‌اند؟ و آیا با پیشرفت ارتباطات انسانی دایره شمول آیه مصادیق جدید انتشار فواحش را دربرمی‌گیرد؟

برای ملاحظه پیشینه می‌توان در وهله اول بـه کتـاب‌هـای فقهـی، خاصـه در مباحـث مکاسب محرمه، همچنین مباحث مرتبط با حدود مراجعه نمود. فقها در کتاب‌های فقهی بـه تفسیر، بیان مفردات و شمول و گستره این آیه پرداخته‌اند. در منابع تفسـیری محـور بحـث بیشتر مفسرین در ذیل آیه توضیح و بیان شان نزول آیه بوده است. همچنین برخی علما در مباحث اخلاقی به این آیه استناد کرده‌اند.

مفهوم‌شناسی برخی اصطلاحات

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است تـا مفـاهیم لغـوی و اصـطلاحی مـورد بحـث، بررسی شوند:

۱ـ اشاعه

ابن منظور در معنای لغوی، اشاعه را انتشار، ظاهر و آشکار شدن می‌گوید (ابن منظـور، ۱۹۱/۸). ابن فارس اصل این کلمه را «شین، یاء، عین» می‌نویسد و آن را انتشار معنا کـرده است . (ابن‌فارس، ۲۳۵/۳) عبدالمنعم در معجم اصطلاحات فقهـی اشـاعه را اظهـار، معنـی می‌کند. (عبدالمنعم، ۱۸۵/۱) در تفسیر مجمع‌البیان نیز ریشه اشاعه را شـیع ذکـر کـرده کـه اصل آن ظاهر شدن است. زمانی که گفته می‌شود شاع الخبر، یعنی خبر شایع و ظاهر شـد. (طبرسی، ۲۰۲/۴)

اگرچه برخی از لغویون معنای ظهور و برخی معنای شیوع را برای اشاعه ذکر کرده‌انـد، اما به «نظر می‌رسد متبادر به ذهن، همین معنی انتشار باشد. حال اگر این تبادر، همان تبادر مصطلح ـ که از علائم حقیقت است ـ باشد، انتشار «موضوع له» شیوع خواهـد بـود و اگـر تبادر به معنی انسباق معنی از حاق لفظ باشد، اگرچه به حد وضع نرسیده باشد، پس در این

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

فرض، انتشار، معنی منصرف‌الیه شیوع خواهد بود. به این صورت که اگرچه معنی موضوع‌له منحصر به او نیست و هر دو معنا ـ چه به نحو اشتراک معنوی و چه لفظی ـ موضوع له اند، لکن وقتی این واژه به طور مطلق به کار می‌رود و به عنوان مثال گفته می‌شود: «شاعت الفاحشه فی المجتمع» انصراف به معنای رواج و انتشار پیدا می‌کند بدون این‌که به قرینه معیّنه نیاز داشته باشد و نتیجه تحقیقات میدانی از «تبادر» برخی از اساتید عرب زبان نیز گواه همین مدعاست. (آل‌یاسین، ۶۱)

با مراجعه به عبارت لغویان مشخص می‌شود که عرب از شیوع، آشکار شدن خاصی را مدنظر دارد. طبق این بیان زمانی گفته می‌شود، فلان مطلب شایع شده است که نزد عموم مردم ظاهر و آشکار شده باشد و صرف بازگو کردن یک مطلب نزد تعدادی محدود، شیوع گفته نمی‌شود. گفتار ابن منظور نیز بیانگر همین مطلب است. (ابن منظور، ۱۹۱/۸)

۲ـ فحشا

فحشا از ماده «فحش» گرفته شده است. کلمات فحشا، فاحشه و فواحش، ۲۴ بار در قرآن آمده است. اهل لغت چند معنا را برای این واژه ذکر کرده‌اند از جمله، راغب در مفردات کلمه فحش و فحشا را به معنای کردار و گفتار زشت دانسته است که قبح آن زیاد باشد. (راغب اصفهانی، ۶۲۶) ابن اثیر می‌نویسد: «فحشا به معنای گفتار و رفتار ناپسند و قبیح است. در احادیث، بسیار دیده می‌شود که لفظ فاحشه به کاررفته است و منظور ازآن گناه و معصیتی است که زشتی و قبح آن بسیار است. (ابن اثیر، ۴۱۴/۳) نویسنده دیگر می‌گوید: «ریشه اساسی این کلمه، زشتی آشکار است که اگر آشکار و شدید باشد فحشا و فاحشه خوانده می‌شود.» (مصطفوی، ۳۵/۹)

طریحی می‌نویسد: «فحشا یعنی فاحشه و هر عمل و گفتار بسیار زشت به این نام خوانده می‌شود، بخل را هم از معانی فاحشه ذکر کرده و هر عمل زشتی که از حد بگذرد». (طریحی، ۳۶۷/۳) ابن جوزی در مورد فحشا می‌نویسد: «فحشا کاری است که از حد و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

اندازه بگذرد». وی در مورد کلمه فحشا چند قول را ذکر کرده است. قول پنجم از مقاتل می‌باشد که مراد از فحشا، همه گناهان است. (ابن جوزی، ۱۳۱/۱)

طبق بیان ابن جوزی، هر گناهی را می‌توان فاحش و فاحشه خواند، زیرا فرد گناهکار پا را از حد خود که بندگی مولا است فراتر نهاده و نسبت به مولای خود عصیان کرده است. در تفسیر مجمع البیان آمده است: «اصل فاحشه از فحش است و فحش یعنی قبح و گناه بزرگ مرتکب شدن و از این‌رو به کسی که به حد افراط بلند باشد، فاحش الطول گویند». (طبرسی، ۳۹۴/۲)

به گفته برخی محققان فحشا به معنای هر فعل و کرداری است که زشتی آن بسیار زیاد باشد. زیرا کلمه فحشا در برخی از آیات قرآن[۱] در کنار کلماتی همچون «اثم»، «بغی»، «سوء»، «منکر» یا «ظلم» به کار رفته است. با توجه به این آیات می‌توان گفت که فحشا، غیر از اینها و در واقع یک اثم و سوء خاص است نه مطلق اثم. (آل‌یاسین، ۶۴)

بنابر آنچه گذشت، می‌توان بیان داشت که از منظر عالمان لغت، فحشا و واژه‌های مترادف آن منحصر به عمل بسیار زشت نیست. برای کلمه فحشا دو می‌توان معنای حداقلی و حد اکثری در نظر گرفت. معنای حداقلی این کلمه در برخی از مصادیق همچون زنا و لواط به کار رفته است؛ اما معنای حداکثری آن فراتر از مصادیق ذکر شده می‌باشد و شامل هر گناه و معصیت و بدکرداری نیز می‌شود.

۳ـ معنای اصطلاحی اشاعه فحشا

در اینجا لازم است به آن‌چه دانشمندان علوم اسلامی اعم عالمان علم اخلاق و مفسران و فقها از این ترکیب میان خود مصطلح کرده‌اند، پرداخته شود.

الف ـ معنای نخستین که برای اشاعه فحشا می‌توان ذکر کرد، این است که خبر مرتبط با یک عمل زشت در مجامع عمومی انتشار داده شود. مثلا فعل زشتی همچون زنا، اعمال

---

۱. انما یامرکم بالسوء و الفحشاء (البقره، ۱۶۹)؛ و ینهی عن الفحشاء والمنکر (النحل، ۹۰)؛ والذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم (آل‌عمران، ۱۳۵)؛ والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش (الشوری، ۳۷).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

خلاف عفت عمومی و مواردی از این دست را بدون بررسی صحت و سقم آن و یا حتی با علم به درستی آن منتشر سازند. این رفتار گاهی به صورت نقل چنین اخباری در میان گروهی از مردم می‌تواند باشد و یا به صورت انتشار فیلم، عکس، گزارش و... صورت پذیرد.

ب ـ معنای دوم، انتشار خود فحشا به وسیله فعل است. به این معنا که فحشا آشکارا انجام شود تا دیگران نسبت به آن رغبت پیدا کنند یا خود فعل، فی نفسه از کارهایی باشد که به علت علنی و دردید بودن، سبب ترویج فحشا شود. (آل‌یاسین، ۱۰) قول دیگر که متفرع از معنای دوم است این است که فرد دیگری را دعوت به عمل زشت نماید یعنی با قول و فعل خود سایرین را به سوی فحشا ـ اعمال زشت به معنای اعم ـ فراخواند. به عنوان مثال زنی که بدون رعایت حجاب و حدود الهی در اجتماع تردد می‌کند، در واقع با گفتار و رفتار خود دیگران را به سوی فحشا دعوت می‌نماید. (شنقیطی، ۵/۵؛ خطیب، ۱۴۲۸/۹)

اگرچه اصطلاح «اشاعه فحشا» در کلام بسیاری از محققان ناظر به معنای اول است، اما به نظر می‌رسد که در مورد فضای مجازی علاوه بر مفهوم اول، معنای دوم نیز صدق می‌کند؛ از این رو به عنوان نمونه برخی تأسیس رسانه ضد دینی را که کارش فساد و هدفش ترویج بی‌دینی است را از بارزترین مصادیق اشاعه فحشا بیان کرده‌اند. (رفعتی نائینی، www.markazefeghhi) ناگفته پیداست مصداق بارز اشاعه فحشا معنای اول می‌باشد.

اشاعه فحشا افراد از آنجا که موجب انتشار عیوب و بدی‌های اشخاص می‌شود، جنبه شخصی و از آنجا که این انتشار در فضای عمومی جامعه مطرح می‌گردد، جنبه اجتماعی پیدا می‌کند. البته جنبه عمومی اشاعه فحشا اهمیت بیشتری دارد زیرا ممکن است یک انسان از افشای پاره‌ای از اسرار خویش که معمولا اشخاص آن را کتمان می‌کنند و تمایلی به افشای آن ندارند، ناراضی و بی رغبت نباشد و یا به علنی سازی آن رضایت دهد لیکن افشای این اسرار در جامعه «اشاعه فحشا» قلمداد می‌شود. بدیهی است که در این‌گونه موارد، حتی رضایت صاحب حق نیز نمی‌تواند جواز هتک ستر و افشای اسرار تلقی شود زیرا با اشاعه مواردی که با اخلاق عمومی جامعه تناقض دارد، تجاوز به حقوق عامه محقق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

می‌شود. چنان‌که مثلا در منابع اسلامی بر مسئله حفظ عـورت انسـان تأکیـد فـراوان شـده است. براین اساس کشف عورت مجاز دانسته نشده و افشا کننده آن به جرم اشاعه فحشـا، گنهکار شده و مستحق مجازات و کیفر می‌باشد. (سید سعادتی، ۱۶۹)

با توجه به مطالبی که گفته شد، مفهوم اشاعه فحشا با توجه به گسترش وسایل ارتبـاط جمعی متفاوت می‌شود، زیرا در گذشته امکان انتشار هر خبر یا مطلبی در این گستره وسیع امکان‌پذیر نبود، اما امروزه قرار دادن یک خبر یا گزارش از یک گناهی که در گوشـه‌ای از جامعه رخ داده آن هم در سایت‌ها و شبکه‌های ارتباطی مـی‌توانـد از بـارزترین مصـادیق اشاعه فحشا باشد؛ زیرا زشتی و حرمت انتشار یک غیبت یا تهمت و یا هتـک حرمـت بـه صورت تصویری و در سطح بسیار گسترده به مراتب از به زبان آوردن آن ناپسند تر اسـت، چرا که سرعت انتقال این فایل‌ها از طریق ابزارهـای رسـانه‌ای موجـب گسـتردگی هتـک حرمت و عمق بیشتر اهانت و بازی با آبروی دیگران می‌شود و در بسیاری از مواقع، امکان جبران خسارات فکری و معنوی نیز وجود ندارد.

٤ـ فضای مجازی

فضای مجازی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «فضای مجازی، محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابـزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد» (عباسی، ۴۳)

آیه اشاعه فحشاء و دیدگاههای مفسّران دربارهٔ آن

موضوع اشاعه فحشا به صراحت در آیه ۱۹ سوره نور آمده است. خداوند در ایـن آیـه می‌فرماید: «آنان که دوست دارند در میان اهل ایمان، کار منکـری اشـاعه و شـهرت یابـد، برایشان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بـود و خـدا (فتنـه‌گـری و دروغشـان را) می‌داند و شما نمی‌دانید». این آیه پس از آیات افک نازل شده است. حادثه افک اشـاره بـه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

ماجرایی در صدر اسلام دارد که در سال پنجم هجری در مدینه رخ داد. در این واقعه گروهی برای انتشار شایعه‌ای علیه یکی از افراد خاندان پیامبر(ص) همداستان شده و سخنان ناروایی را در شهر انتشار دادند. بنابر روایات اهل سنت، هدف این شایعات، هتک حرمت عایشه بوده است اما برخی روایات شیعه، آن شخص را ماریه قبطیه، همسر دیگر پیامبر(ص) معرفی می‌کند.[۱] در ادامه جریان افک، خداوند با تعبیر تند و لحن کوبنده، موضوع اشاعه فحشا را مطرح کرده و به اشاعه دهندگان آن، وعده عذاب دردناک می‌دهد و چنین می‌فرماید: «**اِنَّ الَّذینَ یُحِبُّون أَن تَشیعَ الفحِشهُ فِی الَّذینَ ءَامَنُوا لَهُم عَذَابٌ اَلِیمٌ فِی الدُّنیَا وَ الأخِره وَ اللَّهُ یَعلَمُ وَ أَنتُم لَا تَعلَمُون**» (النور، ۱۹) اما علمای تفسیر، برای آیه دو وجه قائل شده‌اند:

۱ـ مراد، طایفه خاصی از مسلمانان است، هم آنان که واقعه افک را ایجاد کردند.

۲ـ وجه دیگر، عموم مخاطبان است. و در نتیجه هیچ فرد مؤمنی نمی‌تواند انتقال دهنده و انتشار دهنده قول و کردار زشت در میان مردم باشد، در حالی که از حقیقت امر بی اطلاع است. طبق این وجه، خداوند در مورد گروهی از مردم سخن می‌گوید که دچار این مرض شده‌اند. گاهی مراد از اشاعه فحشا این است که گروهی، افراد جامعه را به سوی فاحشه دعوت نمایند، لذا آیه، مسلمانان را از این صفت زشت، یعنی دعوت قولی و فعلی به سوی منکرات بر حذر می‌دارد. (شنقیطی، ۴/۵)

فخررازی در تفسیر خود، منظور آیه را عام و شامل هر اشاعه فاحشه می‌داند به این

---

۱. ماجرا براساس روایت مشهور از خود عایشه نقل شده و تقریبا بیشتر منابع، گزارش مشابهی از واقعه ارائه داده‌اند. روایت عایشه چنین است: «در بازگشت بنی‌مصطلق و هنگامی که کاروانیان برای استراحت توقف کرده بودند، عایشه برای قضای حاجت از لشگرگاه فاصله گرفت و چون گردنبند خود را گم کرده بود، مدتی مشغول یافتن آن شد در حالی که لشکریان که از غیبت وی اطلاع نداشتند، به راه افتاده و کجاوه وی را به تصور این که عایشه در آن است همراه خود بردند. عایشه که با بازگشت به لشکرگاه، آنجا را خالی یافت، در همان مکان ماند، تا این‌که فردی به نام صفوان بن معطّل به او رسید و شترش را در اختیار عایشه قرار داد و او را به همراه خود به لشکریان رساند. بر اساس این روایت، عایشه که بعد از بازگشت از این سفر در بستر بیماری بود، متوجه تغییر رفتار پیامبر(ص) با خود شد و بعد از مدتی اطلاع یافت که درباره ارتباط او با صفوان بن معطّل، شایعاتی در بین مردم پراکنده شده است. پس از مدتی آیات قرآن در سرزنش تهمت زنندگان نازل شد و پیامبر(ص) این آیات را بین مردم قرائت نمود (ابن‌هشام، ۲۰۱).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

استدلال که آیه اگرچه در مورد قذف عایشه وارد گردیده، اما ملاک، عمومیت لفظ آیه است نه خاص بودن سبب نزول آن، بنابراین باید ظاهر آیه را به طور عام تفسیر نمود. (الرازی، ۳۴۵/۲۳).

علامه طباطبایی هر دو مفهوم را از این آیه قابل برداشت می‌داند؛ مفهوم اول انکه این آیه در ارتباط با آیات قبل است که مفهومش تهدید افرادی است که با تهمت زدن در صدد نشر زشتی‌ها در جامعه هستند و فقط به عمل قذف اختصاص ندارد بلکه قاعده ای است کلی که قذف فقط یکی از مصادیق آن است. طبق این برداشت مراد از عذابی که در آیه ذکر شد، معنای حقیقی آن است. اما طبق احتمال دوم فاحشه، عمل ناپسند قذف و عذاب مذکور همان حدشرعی است که به دست حاکم اسلامی اجرا می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۴/۱۵ـ۱۳۳)

منظور از عذاب الیم در دنیا همان کیفر حد قذف است، که در آیات قبل به آن اشاره شد. (طنطاوی، ۱۰۰/۱؛ ابن کثیر، ۲۸/۶) البته برخی این تفسیر را نپذیرفته‌اند زیرا حد قذف، فقط مخصوص کسانی نیست که شیوع فحشا در میان مؤمنان را دوست دارند، بلکه حتی به کسی که شیوع فحشا را دوست ندارد ولی کسی را قذف می‌کند، حد زده می‌شود. از این‌رو کسانی که عذاب الیم را اجرای حد تفسیر کرده‌اند از این نکته غافل شده‌اند که خداوند در این آیه به کسی که شیوع فحشا را دوست دارد، وعده عذاب دنیا همراه با عذاب آخرت را می‌دهد و این فقط می‌تواند درباره کسانی باشد که علاوه برقذف، خواهان شیوع فحشا در میان مؤمنان هستند که گناهی بس بزرگ است و عذاب آخرت را هم در پی دارد. (مغنیه، ۴۵۹/۱) وگرنه کسی که به هر دلیلی به دیگری تهمت زده ولی خواهان شیوع فحشا نیست، با اجرای حد و تحمل هشتاد تازیانه پاک می‌شود و به خاطر این گناه مجازات اخروی ندارد. (جعفری، ۳۱۹/۷) برخی هم منظور از عذاب الیم را حد و لعن از سوی خداوند و مؤمنان تفسیر کرده‌اند. (رازی، ۲۴۶/۲۳) یکی از مفسران، اشاعه فحشا در جامعه را به طرق مختلف ممکن دانسته است. پس آیه فقط انتشار خبر فحشا را در بر نمی‌گیرد. از جمله موارد ذکر شده عبارت است از: ۱ـ کسی که خود اقدام به انجام فحشا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

می‌کند. ۲ـ یا کسی عمل فحشایی که از کسی سرزده را علنی می‌نماید ۳ـ یا گوش سپردن به گفتار گناه آلود ۴ـ یا انتشار و اعلام خبرهای فحشا. (الخطیب، ۱۲۴۸/۹)

برخی از مفسران برای آیه، تفسیری اخلاقی و تربیتی ارائه داده‌اند. زیرا کسانی که به زنان پاکدامن تهمت و افترا می‌زنند، در واقع اعتماد و اطمینان عمومی را خدشه‌دار کرده‌اند (سیدقطب، ۲۵۳/۴) نکته دیگر در تفسیر آیه آنکه این‌که شیوع به خود فاحشه تعلق گرفته با این‌که مراد انتشار خبر فاحشه است، به نکته تربیتی دیگری ارشاد می‌کند و آن این است که زمانی که انسان خبر فحشا را نشنیده است، همچنان نسبت به آن عمل نفرت داشته و از آن حذر می‌کند. اما زمانی که برای اولین بار چنین خبری را بشنود، ناخودآگاه نسبت به آن عمل، تنفر قلبی احساس می‌کند. ولی اگر بارها عمل انتشار خبر فحشا در جامعه رخ دهد، قبح آن فعل از بین رفته و انسان نسبت به آن بی‌تفاوت شده و حتی امکان دارد با از بین رفتن قبح فعل منکر، افراد جامعه به راحتی به انجام آن اقدام نمایند. لذا مشاهده می‌شود که حب شیوع حدیث فاحشه، کم‌کم منجر به شیوع خود فاحشه می‌شود. از همین‌رو در گذشته غالباً والدین از نقل چنین اخباری نزد فرزندانشان امتناع می‌کرده‌اند، زیرا یکی از روش‌های ترغیب نسبت به چیزی خواه خیر باشد یا شر، ذکر آن به طور مداوم می‌باشد. (الجبالی، ۲۵۰)

مذمت اشاعه فحشاء از نظر روایات

در مذمت اشاعه فحشاء روایات متعددی وجود دارد مهم ترین آن روایتی است که از محمد بن فضیل از امام موسی بن جعفر(ع) نقل کرده است. فضیل می‌گوید: «به حضور امام رسیدم و عرض کردم قربانت گردم خبری از یکی از برادرانم به من رسیده که خوشایند نیست، از خود او می‌پرسم منکر می‌شود، با اینکه ناقلان خبر، اشخاص موثق و مورد اعتمادند. حضرت فرمود: «ای محمد گوش و چشمت را در مورد برادرت تکذیب کن اگرچه پنجاه نفر پیش تو گواهی داده باشند، اگر او گفت من نگفته‌ام او را تصدیق و آن پنجاه نفر را تکذیب کن و چیزی را علیه او شایع نکن تا او را لکه‌دار ساخته و شخصیت او

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

را خراب کنی و جز اشخاصی باشی که خداوند در حق آنها فرموده است «آنان کـه دوسـت دارند در میان اهل ایمان منکری اشاعه یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود». (کلینی، ۱۴۷/۸)

از روایات دیگری که به آن استناد شده اسـت، روایـت حرمـت ایـذاء اسـت. همچـون روایتی که راوی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که خداوند عزوجل می‌فرماید: «کسی که بنده مؤمن مرا اذیت می‌کند با من اعلام جنگ کرده و کسی که اکـرام کنـد بنـده مـؤمن مـرا، از غضب من در امان است». (حرعاملی، ۲۶۴/۱۲)

در روایت دیگر راوی می‌گوید: کسی که لغزش انسان را برای دیگران بیان کرده و شایع کند، مثل کسی است که این عمل را انجام دهد و اگر کسی مسلمانی را به خاطر گناهی کـه مرتکب شده، سرزنش کند، نمی‌میرد تـا زمـانی کـه خـودش مرتکـب آن شـود. (همانجـا، ۲۷۷/۱۲) و طبق روایت دیگر: «هر کس درباره مومنی چیزی را که ندیده و نشنیده اسـت، بگوید از جمله افرادی است که خداوند درباره آنها فرموده است: «آنان که دوست می‌دارنـد که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابـد آنهـا را در دنیـا و آخـرت عـذابی دردناک خواهد بود». (نجفی، ۲۹۸/۱۳)

و نیز این روایت که معصوم (ع) می‌فرماید: «هر کس درباره مومنی چیزی را بگوید کـه با دو چشمش ندیده و با دو گوشش نشنیده باشد از جملـه اشخاصـی اسـت کـه خداونـد درباره آنها می‌گوید: «آنان که دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکـری اشـاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و اخرت عذابی دردناک خواهد بود». (همانجا)

توجه به روایات فوق بر این معنا اشعار دارد که در تفسیر آیه اشاعه فحشـا آن معنـایی که مقصود از فحشا را انتشار خبر می‌دانست سازگارتر با سایر مصادیق می‌باشـد. بنـابراین می‌توان این روایات را قرائنی بر تفسیر مزبور دانست که با اسـتناد آن در فضـای مجـازی تناسب بیشتری دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

حکم فقهی اشاعه فحشا

در اینکه موضوع آیه و حکم تعلق گرفته به آن چیست میان صاحب‌نظران اختلاف زیادی وجود دارد.

در این ارتباط می‌توان از دو رهیافت متفاوت به تفکیک یاد کرد:

برخی از بزرگان همچون صاحب جواهر موضوع آیه را نفس، اشاعه فحشا نمی‌دانند، مطابق این نظر، موضوع آیه حب اشاعه فحشا است، پس در هر امری که حب اشاعه صدق کند، آیه شامل آن می‌شود». (نجفی، ۶۰/۲۲) وعده دیگری معتقدند که موضوع آیه ارتباطی با حسب اشاعه ندارد، بلکه مراد نفس اشاعه فحشاء است که متعلق حرمت واقع می‌شود.

اما در نقد دیدگاه صاحب جواهر می‌توان گفت که احکام شرعی از قبیل وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه به افعال انسان تعلق می‌گیرد و نه به تمایلات قلبی او (شهیدثانی، ۶۰/۲) و بدین جهت است که در آیه «**اِجتَنِبُوا کَثِیراً مِنَ الظَّن اِنَّ بَعضَ الظَّنِّ اِثمٌ**» (الحجرات، ۱۲)، یعنی: از بسیاری پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید، که برخی ظن و پندارها معصیت است؛ «**اِنَّ بَعضَ الظَّنِّ اِثمٌ**» از مصادیق گمانی که گناه شمرده می‌شود، غیبت را نام‌برده که ظن صرف نیست بلکه این ظن به حالت فعلیت درآمده و موجب انجام عملی در خارج شده است. با این همه، تفسیر صاحب جواهر از آیه ۱۹ سوره نور اشکالی بر حرمت نفس اشاعه فحشا ایجاد نمی‌کند. دلیل آنکه اگر حب اشاعه فحشا به قدری از جانب شارع مذموم تلقی شده باشد، به دلالت اولویت، نفس اشاعه فحشا از قبح بیشتری در نگاه شارع برخوردار است.

شهید صدر با رویکردی متفاوت این آیه را تفسیر کرده است، هر چند از آن حیث که معنای کنائی برای آیه قائل نشده با صاحب جواهر هم عقیده است. صدر در ذیل آیه چنین می‌نویسد: «ظاهراً مقصود از آیه، حب اشاعه فحشا است پس آیه دلالت بر حرمت این حب می‌کند». ایشان در توضیح این جمله معتقد است که برخی معصیت را به جهت لذت بردن از خود آن معصیت انجام می‌دهند، اما برخی دیگر اصل صدور و وقوع معصیت را طالب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

هستند هر چند این گناه به وسیله فرد دیگر محقق شود و روشن است که بین این دو تفاوت وجود دارد و دومی بسیار بدتر از اولی است. (صدر، ۲۹۱/۱) اما بر این دیدگاه نیز این نقد وارد است که چنین برداشتی از آیه، مبتنی بر نوعی تفسیر اخلاقی است. در حالی که مشهور فقها این آیه را در زمره آیات الاحکام شمرده و از آن حکم شرعی استفاده کرده‌اند. در عموم کتب فقهی در باب مکاسب محرمه در حرمت غیبت، هجو و ... به این آیه مکرراً استناد شده است. و ثانیاً منافاتی وجود ندارد که آیه در عین حال که حاوی پیام اخلاقی است، به لحاظ فقهی و شرعی نیز دلالت بر حکمی نماید.

برخی از نوشته‌های معاصر در مقام جمع میان ظاهر آیه و افاده حکم شرعی چنین آورده‌اند: ذکر حب شیوع فاحشه به عنوان ملاک عذاب دنیا و آخرت به لحاظ دو ویژگی است:

الف: اهمیت محوری قصد شخصی که به اشاعه فحشا می‌پردازد.

ب: مفروض بودن حب شیوع فاحشه برای کسی که مرتکب آن می‌شود.

حب اشاعه فاحشه، عنصر روانی و مفروض در انتشار و اشاعه فحشا است. به عبارت دیگر عنصر مادی و روانی در مورد مصداق این آیه وجود دارد. وعده عذاب الهی در دنیا و آخرت، ناظر به جمع عنصر مادی و روانی است. ذکر عنصر روانی به سبب آن است که تکیه‌گاه اصلی استحقاق عذاب در همه گناهان، قصد یا به تعبیر بهتر عنصر روانی است که در اینجا حب شیوع فاحشه این نقش را ایفا می‌کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۷۲/۲۱)

تا اینجا اقوالی مطرح شد که در پی توجیه موضوع آیه بوده و «یُحِبُّون» مندرج در آیه را از قیود حرمت اشاعه فحشا می‌دانست. در مقابل بسیاری از فقیهان را نظر بر این است که آیه بیانی کنایی دارد. مرحوم محقق ایروانی در توجیه این مطلب می‌فرماید: «باید حب موجود در آیه را به ارتکاب محبوب حمل نمود، ولو به انجام مقدمات نه یک حب صرف». (ایروانی، ۱۹۲/۱)

بنابراین ذکر یُحبون از دیدگاه ایشان، دلالت بر دقت شارع نسبت به امور جزئی و مقدماتی در جهت اشاعه فحشا دارد. با این توضیح که کوچکترین عملی در جهت اشاعه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

فحشا مورد قصد و توجه قرآن بوده است. از مجموع گفته صاحبان این تفسیر می‌توان این‌گونه استنباط کرد که یحبون، قیدی احترازی است برای دفع این شبهه که آیه تنها افعالی را حرام می‌داند که در جهت اشاعه فحشا صادر شده و به مطلوب خود دست پیدا کرده است. و به عبارت دیگر می‌توان گفت نهی، مقید به نتیجه که همان شیوع فساد در جامعه است، نیست و صرف حرکت شخص در جهت اشاعه فساد هرچند به هدف خود واصل نشود، حرام است.

مرحوم شهیدی در هدایة الطالب با پذیرش این دیدگاه، نفس اشاعه فحشا را به نحو استقلال حرام می‌داند. (شهیدی، ۳۴۱/۱) امام خمینی(ره) در تأیید آنچه قبلا در ردّ دیدگاه پیشین (قائلین به حرمت حب اشاعه فحشا) ذکر شده می‌فرماید: «بنابر سیاق آیات و روایات بعید است که آیه حبّ شیوع نفس اشاعه را حرام کرده باشد، زیرا نفس دوست داشتن، گناه نیست». (امام خمینی، ۲۴۷/۱).

آنچه از این آیه استنباط می‌شود، مذمت اشاعه فحشا نزد پروردگار است. نتیجه مذمت در زمینه‌ها و مباحث گوناگون متفاوت است. اگر به آیه از منظر فقهی بنگریم، فعلی که در صدد اشاعه فاحشه در جامعه است منهی عنه و حرام است و حتی از آن‌رو که در آیه به مرتکب آن وعده عذاب دردناک شده می‌توان آن را مطابق رای غالب فقها در زمره گناهان کبیره دانست (دستغیب، ۲۷/۱). اگر از نگاه اخلاقی به آن توجه کنیم کیفیت نفسانی که به واسطه آن انسان درصدد انتشار و رواج زشتی‌ها است، مذموم شمرده می‌شود. به همین جهت هر یک از اقوال ذکر شده، بخشی از تفسیر آیه می‌باشد و تا جایی که در کنار اقوال دیگر ظهور و بروز داشته باشد صحیح است. اما آنجا که به نفی سایر آرا و اقوال روی می‌آورد به نظر نگارنده این سطور، قابل دفاع نیست.

مصادیق اشاعه فحشا

غرض از این بحث ذکر مواردی است که فقها به استناد حرمت اشاعه فحشا، به حرمت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

آنها حکم می‌دهند. این موضوع در دو بخش قابل بحث است. در ابتدا به ذکر برخی مصادیق سنتی که در مطاوی ابواب فقه بدان پرداخته شده است، می‌پردازیم؛ مثل غیبت. و در سخنی دیگر به مصادیق مستحدث و جدید که با رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی و مفهوم رسانه شکل گرفته و ارتباط تامی با بحث فحشا دارد، اشاره می‌کنیم. ناگفته پیداست که نحوه استناد فقها به حرمت اشاعه فحشا در مصادیق سنتی می‌تواند رهنمون ما در یافتن حکم مصادیق مستحدث باشد.

مصادیق سنتی اشاعه فحشاء

۱ـ غیبت

مصادیق اشاعه فحشاء تا قبل از دوران معاصر در مواردی چون غیبت، هجو، تشبیب و قذف خلاصه می‌گردد که در مورد آن بحث می‌کنیم.

پیش از ورود تفصیلی به بحث غیبت، باید یادآور شد که بررسی این موضوع از آن جهت است که بسیاری از فقیهان در ادله حرمت غیبت به آیه ۱۹ سوره نور استناد کرده‌اند و لکن باید نسبت دلیل اشاعه فحشا با حرمت غیبت را بررسی نمود (آیا آیه مذکور، از ادله حرمت غیبت است یا خیر) و دیگر آنکه نسبت اشاعه فحشا با غیبت از چه رو است؟ قبل از بیان نتیجه، لاجرم باید شناخت کامل، هرچند مختصری از غیبت به دست آورده و سپس به دو سؤال فوق پاسخ دهیم.

در تعریف غیبت آمده است «یاد کردن از شخص بدان چه از آن ناراحت می‌شود». (شیخ طوسی، ۵۳۷)

امام صادق(ع) می‌فرماید: غیبت آن است که آنچه (عیبی) را خداوند پنهان ساخته است، بازگویی. (کلینی، ۳۵۸/۲)

مرحوم مجلسی بر اساس روایات، تعریف جامعی از غیبت ارائه می‌کند: «غیبت، یاد کردن انسان معین یا در حکم آن، در غیابش به چیزی است که نسبتش را به او ناپسند می‌شمارد، در حالی که آن چیز (عیب) در او وجود دارد و از نظر عرف عیب محسوب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

می‌شود، با قصد عیب زدن و نکوهش (اعم از این‌که) با قول یا اشاره یا کنایه، به طور تلویحی یا تصریحی باشد». (مجلسی، ۲۲۱/۷۲)

در روایات فراوانی بر حرمت غیبت تصریح شده است. از جمله عبدالله بن سنان روایت می‌کند که به امام صادق(ع) عرض کردم: «آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: بله گفتم: منظور از عورت، همان معنای عورتین است؟ فرمود: نه، آن‌گونه که گمان کردی نیست. منظور از عورت، نشر دادن سرّ اوست». (حر عاملی، ۲۹۴/۱۲).

نسبت دلیل اشاعه فحشا با حرمت غیبت

فقها دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این آیه ارائه داده‌اند. برخی آیه ۱۹ سوره نور را دلیلی بر حرمت غیبت ذکر کرده و برخی دیگر آن را به عنوان دلیل نپذیرفته‌اند. از دسته اول می‌توان به صاحب جواهر اشاره کرد که آیه را دلیل بر حرمت غیبت ذکر می‌نماید. امام خمینی(ره) هم در بحث ذکر اشتراط تنقیص در حرمت غیبت می‌فرماید: «با این که مشهور فقیهان تنقیص را شرط در حرمت غیبت می‌دانند، لکن اگر آیه «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه...» را دلیل بر حرمت غیبت بدانیم، می‌توان به اطلاق آن استناد و حکم به نفی قید زائد (تنقیص) نمود. لکن ایشان این ادعا را با این بیان نفی می‌کند که آیه در مقام بیان حرمت غیبت نیست بلکه در مقام بیان حرمت اشاعه فحشا است». ایشان در جای دیگر می‌فرماید این امکان وجود دارد که آیه را دلیل بر حرمت غیبت دانسته و بر این امر دلایلی ذکر می‌کند. از جمله این که غیبت از گناهان کبیره است زیرا طبق آیه «**ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه**...» غیبت با حب شیوع آن ملازمه دارد یا این‌که حب اشاعه مطرح نیست بلکه خود اشاعه حرام است. یا این که گفته شود وقتی حب شیوع حرام باشد، پس به طریق اولی اشاعه آن هم حرام خواهد بود. (امام‌خمینی، ۲۴۷/۱)

مرحوم شهیدی در حاشیه مکاسب، در بیان وجه دلالت آیه بر حرمت غیبت می‌فرماید: «حب شیاع، کنایه از اشاعه است به لحاظ آنکه علاقه به شی اقتضای ایجاد آن را دارد و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

عدم انفکاک وجود اختیاری شی از حب به آن، از آن جهت که محبت به نحو مجرد از فعل محبوب حرام نیست و به همین خاطر است که مرحوم شیخ فرمود: «ظاهر بلکه مراد از آیه، فعلی است که موجب اشاعه است». مرحوم شهیدی در ادامه می‌فرماید: فی الذین متعلق به محذوف است که همان صفت است برای فاحشه به معنای قبیح نه این که صفت متعلق به شیاع باشد. اگر آن را متعلق به فاحشه بدانیم، مفاد آیه دلالت دارد بر وجود فاحشه در ذات مؤمنان. اگر این معنا را بپذیریم بر غیبت منطبق می‌شود زیرا معنی آیه این‌گونه می‌شود که کسانی که گناهان و فواحش مؤمنان را اشاعه دهند و عمل قبیح آنها را نشر دهند منطبق بر غیبت است. نکته ای که باید دانسته شود آن است که آیه عمومیت دارد نسبت به غیر از معاصی همانند عیوب. بلکه ممکن است تا در فاحشه، برای مبالغه باشد به معنای تأکید در نشر هر زشتی و پلیدی. (شهیدی تبریزی، ۳۴۱/۱)

مرحوم ایروانی نیز آیه را در مستندات غیبت آورده و در بیان ارتباط آیه با غیبت بیان می‌دارد چاره‌ای نیست جز آنکه حب بر ارتکاب محبوب حمل شود ولو به واسطه انجام مقدمات آن و معلوم است که آیه در مقام بیان حرمت حب ساده نیست. ایشان ضمن طرح شبهه‌ای اضافه می‌کند مطابق قاعده، آیه نمی بایست بر حرمت غیبت دلالتی داشته باشد، زیرا آیه در مقام بیان شیوع فاحشه بین مؤمنین است و تحریک و تحریض آنان به ارتکاب منکرات و ارتکاب آنان به سبب اشاعه فحشا، نه شیوع علم به منکرات آنان به این سبب که خطاهای آنها را برای دیگران نقل می‌کنند. دلیل ما آن است که شیوع در آیه به خود فاحشه مستند شده است. ایشان ظرف فی الذین امنوا را متعلق به فعل تشییع می‌داند و می‌فرماید اگر آیه در مقام بیان حرمت غیبت بود لاجرم باید متعلق به صفت فاحشه قرار می‌گرفت. (همانند نظر مرحوم شهیدی). البته ایشان درنهایت استدلال آیه را به نحوتعبدی می‌پذیرد. زیرا در روایات بسیاری برای بیان حرمت غیبت و احتساب آن از جمله کبائر به این آیه استناد شده است. (ایروانی، ۱۹۲/۱) در مقابل سید خوئی در مقام بیان ادله احتمالی بر حرمت غیبت، از این آیه نیز نام می‌برد، منتها اشکال می‌کند بر این‌که آیه بر حب شیوع

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

فاحشه دلالت دارد، در صورتی که غیبت، اخبار از فاحشه است و این دو امر متباین هستند و روایاتی نیز که برای بیان حرمت غیبت بدین آیه استناد می‌کنند از جهت سند، ضعیف می‌داند. بنابراین از منظر ایشان آیه ارتباطی با غیبت ندارد. (خوئی، ۴۹۹/۱)

در تحلیل نهایی می‌توان گفت غیبت بنا به ادله‌ای همچون آیه۱۲ سوره حجرات و روایات متعدد، حرام می‌باشد و این آیه (۱۹ سوره نور) را نمی‌توان در جهت حرمت غیبت تلقی نمود. با این همه بسیاری از مصادیق غیبت منجر به اشاعه فحشا می‌شود و به همین علت می‌توان گفت هرچند اشاعه فحشا مفهوماً با غیبت مغایرت دارد، لکن مصداقاً در بسیاری از موارد منطبق است. اما مصادیقی وجود دارد که اشاعه فحشا محسوب نمی‌گردد همانند ذکر عیوب ظاهری مردم.

۲ـ هجو

هجاء به معنای ذکر عیوب اشخاص، سرزنش کردن آنان و بدگویی کردن از آنهاست و معمولا به زبان شعر است. شیخ انصاری در مکاسب می‌فرماید: «هجاء مؤمن با ادله اربعه حرام است. چه مؤمن باشد یا فاسق باشد.» (انصاری، ۱۱۷/۲) از جمله روایاتی که به آن استناد شده روایتی از پیامبر اکرم(ص) است که می‌فرماید: «کسی که لغزش انسانی را برای دیگران بیان کرده و شایع کند، مثل کسی است که این عمل را انجام می‌دهد و اگر کسی مسلمانی را به خاطر گناهی که مرتکب شده سرزنش کند، نمی‌میرد مگر آن که خودش مرتکب آن شود.» (حرعاملی، ۲۷۷/۱۲) طبق این روایت اشاعه فحشا می‌تواند یکی از ادله حرمت هجو باشد. اگرچه طبق روایات بسیار، دلیل حرمت هجو حفظ آبرو و حرمت مومن است و دلیل اشاعه فحشا بر حرمت جنبه ثانوی دارد. از این منظر می‌توان آیه را تاکیدی بر حرمت هجو دانست.

۳ـ تشبیب

تشبیب به نوع خاصی از شعرگفته می‌شود که در آن صفت جمال زن و حال خود با وی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

به گفتن آمده باشد. شیخ انصاری در تعریف تشبیب می‌نویسد: «آن‌گونه که در کتاب جامع المقاصد آمده، تشبیب، یعنی ذکر محاسن خانم معروف، مؤمنه و محترمه و اظهار علاقه شدید در قالب شعر به او که حرام است». (انصاری، ۱۹۵/۲) شیخ انصاری برای حرمت تشبیب به امور زیر استدلال می‌کند:

۱ـ عمومات حرمت لهو و باطل

۲ـ ادله‌ای که حرمت فحشا را ثابت می‌کند

۳ـ منافات تشبیب با عفاف که جزء عدالت است. (همانجا، ۱۷۸/۱)

به نظر می‌رسد یکی از مصادیقی که در فقه به واسطه حرمت اشاعه فحشا به عدم جواز آن حکم شده است، تشبیب است.

قذف

کلمه قذف، واژه عربی و به معنای انداختن و پرتاب کردن است. ابن منظور در معنای لغوی قذف می‌گوید: «قذف، عبارت است از انداختن تیر، ریگ، سخن و هر چیزی». (ابن منظور، ۲۷۷/۹) در نظر فقیهان امامی، قذف عبارت است از نسبت زنا یا لواط دادن به کسی. (علامه حلی، ۳۹۹/۵) قذف دارای ارکانی است:

نخست: نسبت دادن است که واژه رمی ـ به معنای افکندن ـ به آن اشاره دارد. قید دومی که عنوان رمی را محقق کرده و موجب مجازات می‌شود، معین بودن مقذوف است؛ چرا که بدون مشخص بودن مقذوف، اجرای مجازات حد، ممکن نیست. علت عدم اجرای حد، شرط درخواست کردن و محصن بودن فرد مقذوف است. (نجفی، ۴۱۷/۴۱) احصان مقذوف قید دیگری است که برای اثبات مجازات قذف لازم است.

نسبت دادن روابط نامشروع به افراد از طریق رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه، کتاب، نوشتارهای الکترونیکی در اینترنت و... هم رخ می‌دهد. این جرم می‌تواند به صورت نوشتار، کاریکاتور و .... باشد. قانون مجازات اسلامی تبصره ماده ۲۴۶، وقوع قذف با نوشتار را ممکن دانسته است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

قذف، همانند غیبت مصداقی از اشاعه فحشا است. بنابراین آیه مذکور تأکید بر حرمت آن می‌کند. البته اگر این آیه وجود نداشت، دلائل متعددی از جهات دیگر همچون حرمت آبروی مؤمن بر حرمت قذف دلالت می‌کرد.

مصادیق نوپدید اشاعه فحشا

مشخصه بارزی که در مصادیق نوپدید اشاعه فحشا وجود دارد توسعه آن در حجم، سرعت انتشار و تاثیرگذاری نسبت به مصادیق سنتی آن است. از این حیث می‌توان ادعا نمود در صدق عنوان اشاعه فحشا نسبت به موارد گذشته از اولویت بیشتری برخوردار است.

ذیلا به برخی ازین موارد که از اهمیت بیشتری برخوردار است اشاره می‌شود. بدیهی است این گام نخست است که در این خصوص برداشته شده و جای تامل و تحقیق بیشتری وجود دارد.

۱ـ قذف رسانه‌ای

پیش از این در مورد قذف و ارکان آن سخن به میان آمد، اما قذف از راه دیگری نیز امکان تحقق دارد. البته مشهور فقها درتبیین قذف از واژه قول استفاده نموده‌اند. (طوسی، ۷۲۲. امام خمینی، ۴۷۲/۲)

هر چند برخی از فقهای معاصر، ماهیت قذف را منحصرا از نوع قول نمی‌دانند و نسبت دادن فحشا از راه غیر کلامی همچون نوشتن را نیز قذف می‌دانند. (بهجت، ۴۶۱/۴) اما با بررسی‌های لغوی قذف و همچنین نوع کاربرد آن در قرآن می‌توان اثبات کرد که انتساب غیر کلامی همچون انتساب کلامی، قذف به شمار می‌رود. (مرسی چوپانی، ۵۲ــ۵۳) ملاحظه شرایط و عرف موجود هم نشان می‌دهد، شیوه انتساب می‌تواند منحصر در کلام نباشد. گسترش وسایل ارتباطی جدید و روشهایی همچون استفاده از کاریکاتورو فتوشاپ موجب شده تا برخی از افراد از این شیوه‌ها برای اهداف درونی خود استفاده کنند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

آنچه باعث می‌شود که قذف را نوعی اشاعه فحشای رسانه ای بـدانیم، ایـن اسـت کـه انتشار چنین موارد ناموسی و جنسیتی به افراد در فضای مجازی یکـی از ویژگـی‌هـای آن کثرت و وسعت مخاطبان می‌باشد اثر سوء در جامعه خواهد داشت زیرا هنگامی کـه یـک فرد یا افراد شناخته شده در فضای مجازی قذف شود انتشار چنین مطلبی موجـب تجـری افراد مستعد به گناه شده و نیز قبح و زشتی جرایم جنسـی بـه تـدریج از بـین مـی‌رود. از طرفی امکان دارد نگاه سرزنش آمیز افراد جامعه به شخص مقـذوف، احتمـال بـروز عمـل زشت را در مورد آنها افزایش دهد. در واقع در جرم قذف، علاوه بر مقذوف که بـه عنـوان مجنی علیه شناخته می‌شود، افرادی که شنونده این نسبت دروغ بوده‌انـد نیـز بـه نحـوی از قربانیان این جرم به شمار می‌روند، چرا که تدریجا قبح ارتکاب چنین جرایمی در نظر آنان شکسته شده و آنان جنبه تشیع فحشا جرم قذف به شمار می‌رونـد. (صـادقی کهمینـی) در روایتی نکته بالا به این ترتیب تحلیل شده است. محمد بن سنان از امام (ع) نقـل مـی‌کنـد: «خدا قذف زنان پاکدامن را حرام نمود زیرا موجب فساد، نفی فرزند، ابطال میراث‌ها، تـرک تربیت و از بین رفتن معارف و نیز موجب وقوع گناهان کبیره و اموری کـه موجـب فسـاد خلق است، می‌شود». (حرعاملی، ۱۷۴/۲۸)

۲ـ هرزه نگاری یا پورنوگرافی

پورنوگرافی هرگونه نوشته، فیلم، تصویر و مطلب مربوط به امور جنسی اسـت کـه هـیچ‌گونـه ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی ندارد. به عبارت دیگر هرزه‌نگاری به معنای مطالبی اسـت کـه از لحاظ جنسی آشکارند و عمدتا به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شود. (بای، ۱۰۰)

نمایش دادن تصاویر عریان و نیمه عریان و یا نمایش اعمال جنسـی از مصـادیق بـارز اشاعه فحشا است که در سال‌های اخیر با رشد و توسعه اینترنت، به یک صنعت مبدل شـده است تا جایی که حالا شکل‌های گوناگون آن در اغلب کشورها بـه یکـی از آسـیب‌هـا و معضلات جدی فضای مجازی تبدیل شده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

روش‌های تولید و توزیع هرزه نگاری

۱ـ متن

بهره‌گیری از واژه‌های تحریک‌آمیز یا تصویرسازی و ایجاد موقعیت‌های تخیلی با اتکا به قدرت تخیل ذهنی..... ماهیت اصلی هرزه نگاری متنی را تشکیل می‌دهد.

۲ـ صوت

این نوع هرزه نگاری از طریق واژه‌ها و تصویر سازی ذهنی مبتنی بر صوت انسان و جا به جایی لحن، صوت و صدا انجام می‌گیرد. علی‌رغم این‌که در تعریف و مفهوم با مفهوم هرزه نگاری که ماهیتی تصویرگرانه دارد سازگار نیست، ولی لاجرم زیر همین عنوان طبقه‌بندی می‌شود.

۳ـ بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی

بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی هرزه نگاری نیز تقریبا از زمان شروع این صنعت موجود بوده‌اند. برخی از اولین بازی‌ها در یک جستجوی اینترنتی بیش از دو میلیون نتیجه داشت که اولویت این مورد را در صدق عنوان انتشار نسبت به موارد سنتی اشاعه فحشا معلوم می‌نماید.

٤ـ دستکاری عکس و تصاویر تولید شده توسط رایانه

برخی هرزه نگاری‌ها به صورت دیجیتال در نرم افزارهای گرافیکی مانندکورل و فتوشاپ ساخته می‌شوند این عمل ممکن است از تغییرات اندک در عکس‌ها برای بهبود ظاهر مدل‌ها تا تولید عکس‌هایی غیرواقعی، حتی تولید مخلوقات غیر واقعی را در برگیرد.

۵ـ خلق هرزه نگاری کاملا گرافیکی (مجازی)

خلق تصاویر رایانه‌ای کاملا گرافیکی که بسیار واقعی به نظر می‌رسند، مشکلات اخلاقی جدیدی را ایجاد کرد. می‌توان گفت تفاوتی میان این شق و سایر موارد در صدق عنوان فحشا وجود ندارد و طبعا انتشار آن همانند سایر موارد مزبور ممنوع است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

نتایج مقاله

۱. با توجه به قرائن و دلایلی که در تفسیر آیه ۱۹ سوره نور مورد بحث قرار گرفت، موضوع آیه اعم از صرف موضوع قذف است. بلکه می‌توان آیه را شامل هر رفتار قبیح و ناپسند دانست. حتی اگر حکم فقهی آن حرمت نباشد.

۲. مراد از اشاعه بیش از آنکه انجام عمل توسط شخص عامل به نحو علنی باشد، اختصاص به حالتی دارد که شخص ثالثی عمل قبیح دیگری را در جامعه منتشر سازد یا اینکه خود فاعل عمل، اقدام به انتشار و گسترش رفتار خود در سطح جامعه نماید.

۳. حکم اشاعه فحشا در آیه اشاعه فحشا مطابق با ظهور آیه و ادله روایی دیگر حرمت است و حتی می‌توان این عمل را به سبب وعده عذابی که در آیه داده شده ، در زمره کبائر ذکر کرد.

۴. در فضای مجازی عنصر اصلی انتشار است. حال اگر شخص با استفاده از این فضا به پخش و انتشار قبائح بپردازد، لاجرم باید فعل او را اشاعه فحشا و شخص مرتکب را مخاطب آیه دانست.

۵. از جمله طرق جدیدی که برای اشاعه فحشا ایجاد شده می‌توان به قذف رسانه‌ای، هرزه نگاری اعم از اینکه به واسطه متن باشد یا صوت یا انواع بازی‌ها و... مشمول آیه اشاعه فحشا خواهد بود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آلوسی، شهاب الدین، تفسیر روح المعانی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵.

۳. آل یاسین، عبدالحسین، نشر خبر فحشا، مجله تا اجتهاد، شماره۹۳.

۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، محققان طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی،۱۳۶۴.

۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۲.

۶. ابن فارس، ابوالحسن، معجم مقاییس اللغه، دارالفکر، بی‌جا، ۱۹۷۹.

۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بی‌جا.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بی چا،بی جا،۱۴۰۵

۹. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ هفتم، انتشارات کتابچی، تهران، ۱۳۷۵.

۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵.

۱۱. انصاری، مرتضی، المکاسب المحرمه، مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۵.

۱۲. ایروانی غروی، میرزاعلی، حاشیه المکاسب المحرمه، چاپ اول، سلمان فارسی، قم، ۱۴۲۶.

۱۳. بای، حسین‌علی، پورقهرمانی، بابک، بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی، مجله حقوق اسلامی، شماره ۲۳، ۱۳۸۸.

۱۴. بهجت، محمدتقی، استفتائات، جلد چهارم، چاپ اول، دفتر حضرت آیت الله بهجت، قم، ۱۴۲۸.

۱۵. الجبالی، ابراهیم، تفسیر سوره نور، مجله نور الاسلام، شماره۲۳، ۱۳۵۱.

۱۶. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، جلد هفتم، چاپ اول، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، ۱۳۸۶.

۱۷. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفورالعطار، دارالعلم للملایین، بی‌جا، ۱۴۰۷.

۱۸. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، ۱۴۰۹.

۱۹. حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸.

۲۰. حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، چاپ اول، مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث، بی‌جا، ۱۴۱۴.

۲۱. همو، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، جلد۵، چاپ اول، مؤسسه النشر السلامی، قم، ۱۴۱۳.

۲۲. همو، اجوبه المسائل المنهائیه، بی‌چا، خیام، قم، ۱۴۰۱.

۲۳. خطیب، عبدالکریم یونس، التفسیر القرآنی للقرآن، بی‌چا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۴. خمینی، امام روح الله، المکاسب المحرمه، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی(ره)، بی‌جا، ۱۴۱۰.

۲۵. همو، تحریرالوسیله، چاپ اول، مؤسسه دارالعلم، قم، بی‌تا.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

۲۶. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، چاپ اول، قم، مکتبه الداوری، بی‌تا.
۲۷. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، تهران، هاتف، ۱۳۸۹.
۲۸. الرازی، فخرالدین، تفسیر الرازی، کتابخانه دیجیتالی مدرسه فقاهت.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ذوی القربی، بی‌جا، بی‌تا.
۳۰. سید قطب، ابراهیم بن حسن، فی ظلال القرآن، بی‌چا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۱. شنقیطی، محمد بن محمد المختار، تفسیر سوره نور، بی‌چا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۲. شهیدی تبریزی، میرزافتاح، هدایت الطالب الی اسرار المکاسب، جلد اول، دارالفقه لطباعه و النشر، قم، ۱۴۲۸.
۳۳. صادقی کهمینی، مجتبی، فارسی، بهنام، بررسی مفهوم شناسی قذف رسانه‌ای و مبانی تشدید مجازات آن، مجله پژوهشی فقهی، شماره ۱، بهار ۹۶.
۳۴. صدر، محمدباقر، مباحث الاصول، بی‌چا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷.
۳۶. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، منشورات مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۵.
۳۷. همو، جوامع الجامع، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۸.
۳۸. طریحی، فخرالدین محمد، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد الحسینی، چاپ سوم، مکتب الشیعه، تهران، ۱۳۷۵.
۳۹. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط الطنطاوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، مکتب المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، تهران،۱۳۸۷.
۴۱. همو، التبیان فی تفسیرالقرآن، چاپ اول، دارالاحیاء التراث، بی‌جا، ۱۴۰۹.
۴۲. همو، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ سوم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰.
۴۳. همو، الامالی، چاپ اول، دارالثقافه، بی‌جا، ۱۴۱۴.
۴۴. عباسی، مجید، مرادی، حسین، جنگ سایبر از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه، فصلنامه مجلس و راهبرد، ش ۸۱، سال ۱۳۹۴.
۴۵. عاملی، سعیدرضا، تفاوت فضای مجازی و رسانه چیست؟www. Hamshahri online.ir
۴۶. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، معجم اصطلاحات فقهی، کتابخانه مدرسه فقاهت.
۴۷. العسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، بی‌جا، دارالسرور، بی‌تا.
۴۹. کاشانی، ملافتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی، بی‌تا.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.
۵۱. همو، الکافی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]

۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالوفاء، بیروت، ۱۴۰۴.
۵۳. مرسی چوپانی، حبیب الله، ایزدی فر، علی اکبر، بررسی فقهی امکان توسعه رکن مادی جرم قذف، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۷، بهار ۹۶.
۵۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۵۵. مغنیه، شیخ محمد جواد، التفسیر المبین، جلد اول، بی‌چا، بی‌تا، بی‌نا.
۵۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، نبرد جمل، مترجم حسن شانه چی، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، بی‌جا، قم، ۱۳۸۷.
۵۸. نائینی، محمدحسین، اجود التقریرات، چاپ اول، قم،۱۳۵۲.
۵۹. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
۶۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.10.0]